

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)
۲۲ فبروری ۲۰۱۹



درسهائی از قیام ۲۴ حوت هرات و سوم حوت کابل

از قیام عمومی حوت سال ۱۳۵۸ ش شهریان کابل، ۳۹ سال آزار می گذرد. این قیام، بزرگترین و با عظمت ترین بسیج حماسی عمومی مردم کابل علیه اشغال گران سوسیال امپریالیست شوروی بود. مردم شهر کابل با دیدن اشغالگران به شهرشان، به شور ملی آمدند، بسیج و یکپارچه شدند و نفرت و انزجار خود را علیه سلطه بیگانگان در قیام عمومی و شکوهمند سوم حوت سال ۱۳۵۸ ش در عمل تبارز دادند. خلق ستمدیده کابل در این حرکت خودجوش، جسورانه به میدان شتافت و با شعارها و فریادهای "مرگ به اشغالگران و نوکران خلقی - پرچمی" و "روس ها از ملک ما بیرون شوید!"، تا یورش به تأسیسات دولتی و پوسته های امنیتی قسمت هائی از شهر، جلو رفته و خود را مسلح ساخت. از سوئی هم اشغالگران و چاکران خلقی و پرچمی شان در واکنش به این حماسه تاریخی بدون رهبری و پشتگاه، با زرهپوش ها و مسلسل ها بر مردم آتش گشودند. جنگ خیابانی در گرفت، ولی بنا بر نبود توازن قواء و نداشتن تاکتیک های سالم مبارزاتی، هموطنان قیام کننده ما به طور فجیع سرکوب و عده ای از این عزیزان مان شهید و عده ای دیگر زندانی شدند. نبرد رویاروی بیش از یک روز دوام پیدا کرد؛ اما با درد و اندوه که با نبود یک رهبری متشکل ملی، نه تنها سمت و سوی سالم و تداوم نیافت؛ بلکه قیام خود جوش مردم به پاخاسته کابل به شکست مواجه گردید. یک سال قبل از این حماسه، مردم هرات باستان در نخستین سال به قدرت رسیدن باندهای مزدور "خلق و پرچم"، یکپارچه علیه شان بسیج شده و قیام نمودند. قیام همگانی ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ ش، این رستاخیز خود جوش مردم هرات، زمین را زیر پای غلامان روس به لرزه درآورد و افسانه شکست ناپذیری شان را به استهزاء گرفت.

در این روز نیز مردم از پیشاهنگان سیاسی خود جلو افتادند، بسیج شدند، به میدان رفتند، سلاح گرفتند، جنگیدند، شهر و ولایت را هم تصرف کردند.

اما با دریغ و درد که رهبری متشکل و کارساز سرتاسری در سمت دهی و حفاظت از دست آوردهایش وجود نداشت. ولذا با آن که هزاران کشته به جای گذاشتند؛ سرانجام، قیام گران سرکوب شدند و زندان ها را پُرساختند. بهره اش را لاشخواران مزدور اجانب غارت نموده و هریکی خود را رهبر و وارث آن، جا می زدند.

این جنبش و خیزش های خود جوش توده ئی، با آن که به نقطه عطفی رسید و از حالت مجزا و محلی به گستره ملی پا نهاد؛ در کلیت خود محصول آن اوضاع و شرایطی بود که از آن تولد گردیده بود. کمبود آگاهی و نبود رهبری و سازماندهی سالم، عوامل اصلی بودند که جنبش در فقدان شان به سراشیب "پله جار" بودن افتاد.

ضعف خود جوشی و "پله جار"، اساساً در کمبود آگاهی ملی و در نتیجه رفتن به دنبال آن شیوه هائی از تفکر و عمل است که عمیقاً با زندگی بدائی عقب مانده مردم ما سازگار بود.

نیروهای سیاسی ملی – دموکرات و انقلابی کشور ما نیز به نحوی از همین کمبود آگاهی ملی سهم می برند و با زندگی بدائی عقبمانده انفرادی و گروهگرایانه سازگارتراند و عمدتاً به همین دلایل، نتوانستند با ایجاد تشکیلات مناسب عصر و زمان، شایستگی رهبری این جنبش ها را کمائی کنند.

حماسه ۲۴ حوت هرات و قیام شکوهمند سوم حوت کابل به ضد رژیم دست نشانده ثوری و قوای اشغالگر شوروی، ثبت کتیبه تاریخ شده و هیچ کس نمی تواند آن را از لوح روزگار بزداید.

اما چه درس هائی ما باید از این قیام ها و شورش های توده ئی خودما و قربانی هایش، و جنبش های "پله جار" جهانی، چون "بهار عرب"، ... و نتایج شان، به دست آوریم؟

اولین درس اینست که این حماسه ها و رستاخیز ملی مردم، یک بار دیگر به اثبات رسانید که ملتی فقیر و ناتوان، اما متین، با عزم و اراده استوار، می تواند بزرگترین قدرت ها را به زانو درآورد و به شکست مواجه سازد.

دومین نکته آموزنده اینست که: مردم افغانستان در این قیام های خونین نشان دادند که ظرفیت و پویایی بسیج شدن و عمل کردن در عملیات انقلابی، تا شرکت در جنگ مسلحانه و دادن هزاران کشته و قربانی، را دارند. فقط از کمبود تشکیلات و رهبری سالم سرتاسری است که جنبش های خودجوش باعظمت و بزرگ شان هم به جنبش "پله جار" منتج می شود.

نکته سوم: این همه خون مردم و وحشت دشمن، به تکرار و با قیمت گزاف ثابت کرد که هیچ جنبش "پله جار" و سازمان نیافته و بی اندیشه ای نمی تواند به سود خلق بینجامد؛ و در یک دور باطل توسط طبقات حاکمه متشکل، دست به دست می شوند و هرگز نتیجه مثبتی به سود خلق ها از آن به بار نمی آید. و ...

نکته چهارم اینست که: بنا بر عوامل گوناگون، جنبش ملی – دموکراتیک و انقلابی کشور ما، با این همه تجارب خونین مثبت و منفی خلق ما و با دادن قربانی های فراوان؛ علی رغم بی اثر و یا کم اثر بودن عملکردهای پراکنده فردی و گروهی اش، نتوانسته به خود تکان دهد و به نیازمبرم جنبش های مردمی، که ایجاد رهبری سالم و تشکل سراسری است، پاسخ دهد. ولذا جنبش ها کماکان "پله جار" مانده و چراگاه مساعد نیروهای ارتجاعی و کشور های اشغالگر و مداخله گر می شوند.

با ارج نهادن به نکات مثبت، می بینیم که برخی از عوامل فوق، در جوار عوامل دیگر ملی، منطقه ئی و جهانی در ایجاد شرایط بسیار وحشتناک کنونی کشور ما نقش داشته اند.

هم اکنون، بیش از یک ونیم دهه است که سرزمین به خون خفته ما زیرسُم اشغالگران ستم پیشه، به رهبری امپریالیسم امریکا، قرار داشته و ارتجاع هار، از همه قماش آن، به عنوان پیش فوج متجاوزان در راه تحقق اهداف استعمار، بسیج شده و به درگاه اشغالگران سر می ساینند و جناح ها و دسته بندی های مختلف وابسته به دول امپریالیستی، در مزدورمنشی باهم در رقابت قرار دارند.

تمام مزدوران تنظیمی - طالبی وحشی و خونریز، تکنوکرات های بی عار و هزار و یک رنگ دغلباز، پرچی ها و "سورخلقی های" جنایتکار حرفه ئی، به مثابه دشمنان خلق، در یک آخور به دور هم جمع گردیده اند، تا "صلحی" برای تقسیم دوباره قدرت بین خود برقرار نمایند.

خلق شریف افغانستان، صلح این مزدوران اجنبی را بدتر از جنگ آن ها می داند و از تجربه طولانی خود می فهمد که در این "صلح"، دشمنانش همچون گرگان وحشی دندان های خویش را به دریدن بیشتر تن خونچکان وطن و مردم ما تیز می کنند.

با این حال، فرمان زمان چنین است که مردم اسیر و زجرکشیده افغانستان به جز از وحدت درمیان خود و ایجاد یک بسیج رزمنده و جنبش عمومی ملی علیه اشغالگران و مزدوران وابسته بدان ها، راه دیگری جهت نجات خود ندارند. اما این بار، نه این که با یک جنبش "یله جار" به سرک ها و خیابان ها بریزیم و هدف و نشانه دسته جمعی "فیر و انفجار" دشمنان گردیم؛ بلکه قبل از این که وارد میدان عملی رزم شویم، باید جهت هم آهنگی مبارزاتی خویش، تشکیلات و رهبری مورد اعتماد، کا را و آبدیده را به وجود آوریم، تا توانسته باشیم جنبش خویش را سمت و سوی سالم و مطمئن داده و با شیوه های متناسب مبارزاتی تا به پیروزی نهائی، که آزادی کشور و خلق ما از بند استعمار و ارتجاع است، رهنمون گردیم.

تاریخ گواه است و نتایج تجربه و عمل بیشتر از هر زمانی فریاد می زند که: جنبش خلق را فقط سکандاری متشکل، منضبط و منظم، آگاه و مترقی، برخاسته از ستمکش ترین طبقات جامعه، به بازوی میلیون ها مردم آگاه و انقلابی، با اندیشه های دموکراتیک و پیشرو عصر می تواند به سر منزل آزادی و رفاه برساند. این درس گرانها و تجربه ثابت شده تاریخ و جبرناموس تکامل است، که باید از آن آموخت و آن را به کار بست.

اگر نیروهای ملی - دموکرات و انقلابی افغانستان، با دردست داشتن این همه تجارب خونبار ملی و جهانی، باز هم از نیاز مبرم بسیج و رهبری جنبش خلق عقب مانده و درقشر گروهگرایانه، و شخصیت نمائی های شخصیت زدایانه زیانبار خود محصور بمانند و نتوانند با وحدت و یکپارچگی شان چنین سکانداری را سازماندهی و وارد میدان کارزار سازند، این بار دیگر مسئولیتش بالاتر از اشتباه است. پس تا دیر نشده متشکل شوید!

من اگر ما نشوم تنه‌ایم

تو اگر ما نشوی خویشتنی

چه کسی می خواهد

من و تو ما نشویم

خانه اش ویران باد!

یامرگ یا آزادی!

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

سوم حوت ۱۳۹۷ ش مطابق ۲۲ فیبروری ۲۰۱۹ م